

<div>پایگاه اطلاع رسانی</div>
<div>روزنامه پیام عسلیویه در بخارا</div> <div><span>payameasalooye.ir</span></div>
<div><div><div><div><div><div><span></span></div></div></div><div><div><div><span></span></div></div></div><div><div><div><span></span></div></div></div></div></div></div> <div>این نامه اخلاق حرفه ای</div>
<b>شماره ۹ و ۲۴۶</b> <span>►</span> <b>دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳</b> <span>ماه ۳۰ و ۳۱</span>
<div><div><div><b>همکاران ما</b></div><div> در این نشریه: زهرا قدرتنما، سبحان قنبریور، عبدالصمد شهرباری و ...</div></div></div>
<div><b>رتبه ۱ امتیاز ۴۳/۲</b></div>

## نگرشی اجمالی

## بر مجموعه شعر «عاطفه آنجا بود»

**مرتضی زندپور**

نام کتاب بر گرفته شده از «سروده صفحه ۴۶» مجموعه می باشد. گاهی مرا تا باغ می برد/ باغچه هایی که نشان از خورشید داشتند/ جوجه هایی را می دیدم که بزرگ می شدند/ در کنار گنجشک هایی که/ پرواز را تمرین می کردند... عاطفه رفتاری ست اجتماعی که درون مایه ای انسانی دارد، استعدادی نظری ست که زندگی را پُر بار می سازد و آن را از یکنواختی بیرون می آورد. هر چند خود از احساسات بیرون آمده است .ولی احساسی ست که از دالان های پر پیچ و خم اندیشه گذر کرده پس کارکردی فراتر از احساس دارد. عاطفه / اندیشه از مولفه های شعر است و در کنار تصویر و موسیقی و زبان یافت اصلی شعر را تشکیل می دهد. به باور من در گزینش واژه «عاطفه» نگرش عمیق وجود داشته ،راوی قصد دارد مخاطب را در خوانش اشعارش درگیر عواطف انسانی نماید تا متن را همراهی کند حال چرا وجود این عاطفه را به جانی دیگر ارجاع داده‌عاطفه آنجا بود»در صورتی که این «عاطفه»می توانست همه جا باشد به نظرم با این ارجاع می خواسته تلنگری به ذهن مخاطب بزند و تو من اندیشه و خیال او را به دورانی دور دست ببرد که عشق و از خود گذشتگی سر لوحه ی اندیشه ی انسان ها بوده و به باور من «آنجا» ارجاع به سرزمین گرم و تفتیده ی جنوب است به وسعت اطراف کارون و خوزستان همراه با ازخودگذشتگی مردمان آن در جنگ گرفته تا خون گرمی و صداقت مردم ساکن در حاشیه ی خلیج فارس و دریای عمان یعنی جنوب ایران .حال با این مقدمه می پردازیم به کتاب «عاطفه آنجا بود» مجموعه شعر مسعود عرب زاده که این مجموعه پنجاه و یک صفحه ای در پانصد نسخه توسط انتشارات قلمداران جنوب به چاپ رسیده است.

شاعر برای ورود مخاطب به متن کتابش سروده ای چهار سطری را بر می گزیند و آن را با کلماتی زیبا و روان و به دور از تعقید و بهام های صنعتی، با رعایت کامل ایجازشعر خود را می سراید. اهسته، اهسته باران می گیرد. (می بارد/ چتر و باران هم صدا/ کسی با صدای بارانی می خواند:/رنگین کمان ها در کدام فصل متولد می شوند؟

شاعر سعی می کند( ایجاز) را در اشعارش رعایت نموده و با تصویرسازی های مخاطب را به خوانش اشعارش دعوت کند»زیر کدام ستاره و بیرق/ سایه ها عبور می کنند/با غربتی که هنوز طولانی ست/و خونِ نشانی از شقایق ندارد.سپس در سرودی دیگر مخاطب را همراه خود به دور دست ها می برد و می سراید. پیراهنی/ در علفزاری گیر کرده است/ گلوله ای/ از دورصغیر می کشد/ و من/ به کودکی هایم پناه می برم.

شاعر برای رومانی شدن زندگی در شالیزارها و خال کوبی ابرهای تیره و به مهمانی فرستاده شدن برادران خورشید توسط ما چنین می سراید.

«برهای تیره را/خالکوبی کرده اند/قدیس هایی که/شیرها را رام می کردند/برادران خورشید را/ماه/ به مهمانی فرستاد/ تا زندگی در شالیزارها/ رومانی شود.»

کتاب سرشار از سروده های زیباییابانی یکدست و آریاه های ادبی همراه با جانشینی و همنشینی خوب واژه هاست و همچنین رعایت ایجاز در اکثر سروده‌ها.

«خورشید اگر مال من بود/ می پیچدمش در کاغذ/کادو/برای روزهای پنهان باغچه‌یا این سروده»یادید خوم را دفن کنم/ تا نتوانم در این تاریکی/ صبح/ قدم بزنم.

در انتهای این مجموعه شاعر برای ماندگار شدن سروده‌هایش اعلام می کند که :

«شعری نوشته ام/ که بعداز من/ در پارک شهر/ یا در بلوار/ چند لحظه ی کنارش بنشینید/یوگوی وحشی من / که مانند یک برج ناقوس/ بر آسمان شهر گردن کشیده است»

و سروده ای دو سطری را پایان بخش مجموعه ی خود می کند تا مخاطب را به آراسته شدن رهنمون باشد و آن هم آراسته شدنی زیبا از زبان رنگ ها.

«انسان ها آراسته می شوند/از زبان رنگ ها»
سادگی زبان راوی و فراز و فرود آن ها خوب بود و نام کتاب با مضمون سروده ها همخوانی داشت برای این شاعر هم اقلیمی موفقیت روز افزون آرزومند.

## ادبیات

## دکلمه و شعر جعلی که سال‌هاست به نام قیصر دست به دست می‌شود



پژوهشگر و منتقد ادبیات با اشاره به شعر و دکلمه جعلی «گاهی گمان نمی‌کنی، ولی خوب می‌شود» که به قیصر امین‌پور نسبت داده شده، گفت: اگر بزرگان ما مهجور بمانند به جایی می‌رسیم که میان جعلی و اصلی هیچ مرزی پیدا نمی‌شود.اسماعیل امینی همزمان با دوم اردیبهشت زادروز قیصر امین پور شاعر و استاد ادبیات معاصر در گفت وگو با خبرنگار فرهنگی ایرنا به برخی از ویژگی های شعری این استاد ادبیات، لزوم ارج نهادن به مفاخر ادبی و آسیب های کم کاری در این بخش از جمله عدم تشخیص سره از ناسره و ذکر خاطره ای از دوران همکاری با قیصر پرداخت این نویسنده و مدرس ادبیات گفت: قیصر شاعر برجسته ای بود و علاوه بر شاعری در کار علمی، تحقیقی و مباحث نظری ادبیات هم انسان طراز اولی به شمار می رفت، علاوه بر اینها او معلمی برجسته و بسیار در میان دانشجویانش انسانی محبوب و مورد احترام اساتید دیگر بود.

**شعر قیصر نمونه خوبی برای حد کمال و اعتدال تحول در شعر فارسی است**

امینی ادامه داد: هرکاری که قیصر کرد چه در حیطه پژوهش، چه در حیطه معلمی و چه کاری که در دفتر شعر جوان انجام می دادند یعنی شناختن استعدادهای جوان و وقت گذاشتن برای پرورش شاعران نسل جوان، آن را جدی می گرفت و به کمال انجام می داد، به لحاظ فردی هم انسانی صبور و مهربان و بسیار جدی بود، یعنی در عین جدیت مهربان بود و صبوراین شاعر معاصر افزود: در مورد قیصر دو مساله هنوز موجب غم و اندوه من می شود، یکی اینکه روزگاری به او خیلی سخت گرفت و حادثه رانندگی باعث شد سال‌هایی را در بیماری گذراند و دیگری جفای برخی دستگاه هابه او بود، چون تا حدی که او را در مضایقه گذاشتند که نتواند کار کند، مساله ای که در مورد برخی از بزرگان ما رخ داده و به جای همکاری با آنها مانع سازی می‌شود و از این سرمایه های انسانی استفاده و بهره‌بری نمی شود و برعکس به آدم های نازل اهمیت داده می شود.امینی در مورد ویژگی های شعر قیصر نیز گفت: شعر قیصر نمونه بسیار خوبی برای حد کمال و اعتدال تحول در شعر فارسی است، همه کسانی که اهل شعر هستند می دانند که مجادله ای از قدیم در مورد زبان و شیوه کهن شعر پارسی و زبان عروض شعر وجود داشته و این خوشبختانه در آثار بزرگان ما مثلا در شعر اخوان، نیما، سهراب، فروغ و قیصر به تعادل رسید و نشان داد می توان رسالت شعر کهن را حفظ کرد و در عین حال شیوایی، سادگی و دل انگیزی زبان روز را هم داشت و این در شعر قیصر دیده می شود.این منتقد ادبیات در مورد وجود ایهام در اشعار قیصر تصریح کرد: ایهام جزو ویژگی های شعر است و هرکس شعر می گوید از آنچه جزو زیبایی های سخن است بهره می برد و در برخی این فنون زیبایی شناسی شعرشان خیلی آشکار است و برای جلب نظر آدم های سطحی به چشم می آید، اما در شعر بزرگان و آدم های برجسته مثل حافظ این زیبایی پنهان است و پس از چندبار خواندن متوجه می شویم، مثلا قیصر در شعری می گوید: بگذار به بالای بلند تو ببالم/کز تیره نیلوفرم و تشنه نورم.امینی گفت: در این شعر علاوه بر اینکه همه کلمات «بالا»، «بلند» و «بالیدن» تداعی رشد و تعالی می کند تناسبی بین آنها دیده می شود، همچنین کلمه «تیره» یعنی نژاد هم با نور و روشنی ایهام و تناسب ایجاد می کند، یا در این شعر می خواهیم چنانکه شب خسته خواب را/ می جویمت چنانکه لب تشنه آب را. علاوه بر موازنه ای که در دو بیت هست، می جویمت جوی را تداعی می کند که با تشنگی و آب تناسب دارد که به گونه ای این صنعت شعری پنهان هم هست و در ذوق نمی زند و پس از چند بار خواندن و تامل کردن آشکار می شود، و از این جور ظرافت های پنهان در شعر قیصر زیاد است. این شاعر طنزپرداز ادامه داد: قیصر لابلای شعرهایش از طنز هم استفاده می کند، چون طنز هم از فنون بلاغی است و این طنزها هم در شعر او بسیار پنهان است و در مورد بسیاری از بزرگان چنین است که با خواندن اول، متوجه نمی شویم، مثلا قیصر در این شعر می گوید: گفت: احوالت چطور است؟ گفتمش: عالی است/ مثل حال گل! حال گل در چنگ گنجیز مغول!، در این شعر قیصر مقدمه ای می آورد که آدم فکر می کند دارد خبر خوش می دهد، اما ناگهان واقعیت را درباره آن خوش خیالی می آورد، قیصر از اینگونه و گونه های دیگر طنز که مبتنی بر ظرافت سخن است فراوان در شعرش دارد.

## خبر

کمالی سروستانی تشریح کرد

## نگاه سفرنامه نویسان به سعدی در نمایشگاه کتاب

کروش کمالی سروستانی می‌گوید: سفرنامه‌نویسان با توجه به علاقه و دانش و مأموریت خود از منظرهای گوناگون به سعدی پرداخته‌اند.به گزارش ایسنا، متن سخنرانی مدیر مرکز سعدی‌شناسی در مراسم بزرگداشت سعدی که اول اردیبهشت‌ماه در شیراز برگزار شد، به این شرح است: «با نام آن بزرگ بی‌نیاز و حکیم بنده‌نواز که «طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت» شکوفه‌سار رحمت بی‌بدیل و لاله‌زار نعمت بی‌دریغ داخوندی، در بهار دل‌انگیز شیراز، ما بر آن داشت تا دیگر بار، اول اردیبهشت‌ماه جلالی گرد آییم و خوشه‌چین پرند رنگ سعدی شیراز شویم و تا حضور سبز معنا، به‌قدر همت خویش توشه برجسیم و با همراهان طریق در سلوک شعرش، غریق بحر معنی‌گردیم.

در اقصای عالم بگشتم بسی به سر بردم ایام با هر کسی تمتع به هر گوشه‌ای یافتم ز هر خرمنی خوشه‌ای یافتم سعدی مسافر آفاق وانفس در باب سوم گلستان در فواید سفر آورده است: «فواید سفر بسیار است. از نزهت خاطر و جز منافع و دیدن عجایب و شنیدن غرائب و تفرج بلدان و مجاورت خلّان و تحصیل جاه و ادب و مزید مال و مکتسب و معرفت یاران و تجربت روزگاران، چنان‌که سالکان طریقت گفته‌اند:

تا به دکان و خانه در گزوی هرگز ای خام، آدمی نشوی برو اندر جهان تفرج کن پیش از آن روز کز جهان بروی» سفر کردن، خلق یک گردش است. حرکتی در فضا، برای فهم یک مکان، یک واقعه و یک فرهنگ. سفر گشاینده روح است و اندیشه. سفر موجب کشف است و عبور از تنگ‌نظری و تعصب. سفر حرکتی است در زمان برای شناخت یک مکان. سفر لذت گردشگری است و تعالی کاوشگری.

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی

سفرنامه‌ها رهاورد سفرند. سفرنامه‌ها، تلّاور نخستین آشنایی‌های بین فرهنگی است. سفرنامه‌ها یکی از مهم‌ترین محمل‌های آگاهی از سایر فرهنگ‌هایند. سفرنامه‌ها روایت «دیگری» از ماست. در حیات اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها، مقوله «دیگری» همیشه

مسئله و دغدغه بسیار مهمی بوده است. فرهنگ‌های انسانی برای تعریف خویشتن، همیشه نیازمند «دیگری» بوده است، اما هم‌زمان، برای سایر فرهنگ‌ها، همیشه نقش «دیگر بود» فرهنگی را داشته است... در تاریخ همیشه افرادی بوده‌اند که نقش واسطه‌های این فهم در بسترهای میان فرهنگی را ایفا کرده‌اند. سیاحان و سفرنامه‌نویسان، مهم‌ترین واسطه‌های تجربه دیگری بوده‌اند.»سفرنامه‌نویسان در برخورد با فرهنگ و جامعه ایرانی وجوهی را دیده‌اند که ایرانیان به‌دلیل زیست با آن، قادر به دیدن آن نبوده‌اند. همان‌طور که نگاه بیرونی را می‌توان به غرض‌ورزی و بدفهمی و حتی نفهمیدن متهم کرد، نگاه درونی را هم می‌توان به تعصب و کلیشه‌های ارزشی و خودشیفتگی متهم کرد.همچنین سفرنامه‌ها منبعی غنی برای شناخت تاریخ و فرهنگ ایران هستند و توجهی که رشته‌های علوم اجتماعی مانند جغرافیا، تاریخ، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی، در روزگار ما، به سفرنامه‌ها کرده‌اند، نشان‌دهندهٔ این اهمیت است.

## پیشخوان

## دو فصلنامه ادبی تخصصی سعدی‌شناسی منتشر شد



از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۹۵، ۱۸ دفتر سعدی‌شناسی به‌صورت مجموعه‌مقاله از سوی مرکز سعدی‌شناسی منتشر شد و از سال ۱۳۹۵ با تبدیل به دو فصلنامه تا امروز دوازده جلد منتشر شده است که با انتشار دوازدهمین دفتر سعدی‌شناسی تعداد دفترهای منتشر شده سعدی‌شناسی به سی جلد می‌رسد که در سایت سعدی‌شناسی و کتابفروشی‌ها قابل دسترسی است.در دوازدهمین دوفصلنامه سعدی‌شناسی مقالات زیر منتشر شده است: «عرفان فارس، رنسانس ناتمام» شاپور جورکش، «قصاید فارسی سعدی» براساس ضبط سفینه شمس حاجی، فروغی و شوریده کوروش کمالی سروسناتی، «حد همین است سخندانی و زیبایی راه» اصغر دادبه، «سعدی از منظری دیگر» عبدالعلی دست‌غیب، «دو خط متافرا! آیا سعدی و مولانا یکدیگررامی‌شناختند؟»محمدنویدبازرگان، «سعدی و نگاهی با چشمان شسته» محمدابراهیم انصاری لاری، «گلستان سعدی و من» امین فقیری، «روایت درحکایات سعدی» ابوتراب خسروی، «کارکرد عنصر مکان در حکایات‌های گلستان سعدی» محمد کشاورز، «حکایات سعدی و مفهوم داستان مدرن» مصطفی مستور، «بازقرینی حکایات‌های سعدی؛ دوختن لباسی نو از پارچه‌های قدیمی» فرهاد حسن‌زاده، «شگردهای برای معشوق زمینی» احمد اکبریور، «سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی»گلستانی دیگر در عهد قاجار» جواد دهقانپای، «مقیوبت به احترام عدالت؛ هم‌سخنی سعدی و کنفوسیوس» امین‌رضا نوشین و «بر خوان غزل؛ سعدی و خواجوی کرمانی» فرح نیازکاربه

به گزارش ایبنا، به مناسبت یادروز سعدی نشست های تخصصی سعدی پژوهی به همت مرکز سعدی شناسی در شیراز برپاست.

## فراخوان

## آغاز ثبت نام کتابفروشی‌ها در نمایشگاه کتاب



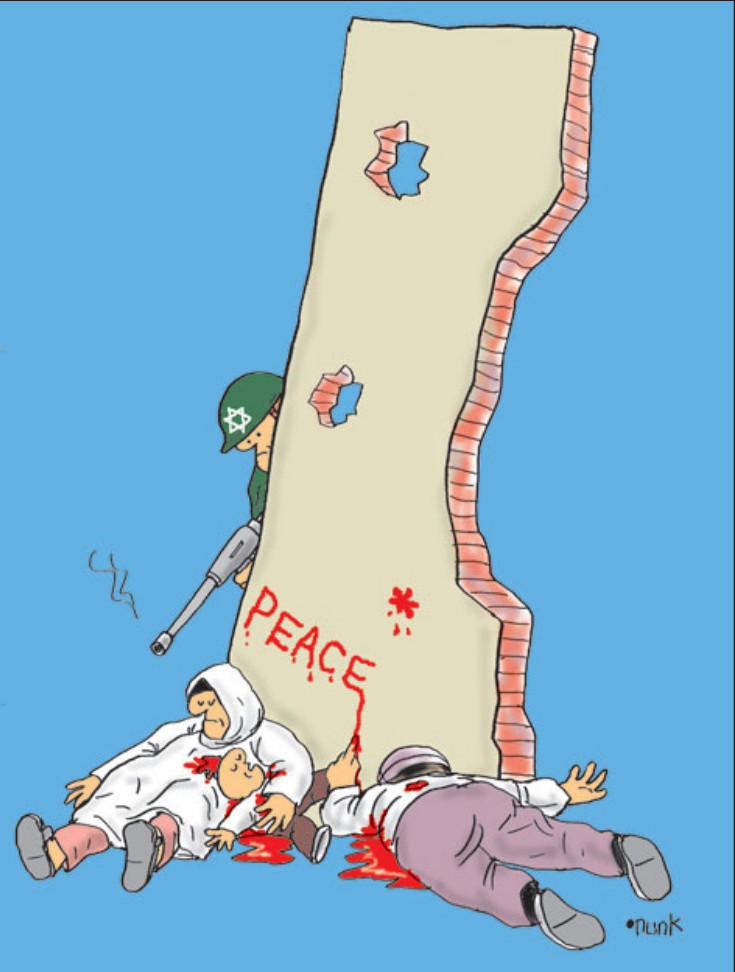
ثبت‌نام کتابفروشی‌ها در سامانه «بازار کتاب» برای حضور در بخش مجازی سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از امروز(اول اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳) آغاز شد.

به گزارش ایسنا به نقل از ستاد خبری سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، با توجه به در پیش بودن سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، حضور کتابفروشی‌ها در بخش مجازی این نمایشگاه تنها از طریق عضویت در سامانه «بازار کتاب» فراهم است.

کتابفروشی‌هایی که عضو سامانه «بازار کتاب» نیستند می‌توانند از امروز(اول اردیبهشت تا پنجم اردیبهشت‌ماه۱۴۰۳) برای ثبت‌نام در این سامانه از طریق درگاه «بازار کتاب» به آدرس V.bazarketab.ir اقدام کنند تا پس از تایید عضویت و شروع فعالیت در این سامانه بتوانند در بخش مجازی این دوره از نمایشگاه حضور پیدا کنند.

کتابفروشی‌هایی که قبلا در این سامانه ثبت‌نام کرده و فعال هستند نیاز به ثبت‌نام مجدد ندارند اما کتابفروشانی که ثبت‌نام ناقص دارند در مهلت ذکرشده برای تکمیل اطلاعات اقدام کنند. سی‌وپنجمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با شعار «بخوانیم و بسازیم» از ۱۹ تا ۲۹ اردیبهشت (۱۴۰۳) در محل مصلاي امام خمینی(ره) به شکل حضوری و در سامانه ketab.ir برگزار می‌شود.

## تماشا



## فرهنگ و هنر

### نامه سهراب به نازی



تو به سپیده‌دم خواهی رسید. مبدا بلغزی. من دوست توام، و دست تو را می‌گیرم. روان باش، که پرندگان چنین‌اند، و گیاهان چنین‌اند. چون به درخت رسیدی، به تماشا بمان. تماشا تو را به آسمان خواهد برد. در زمانهٔ ما نگاه کردن نیاموخته‌اند. و درخت، جز آرایش خانه نیست. و هیچ‌کس گل‌های حیاط همسایه را باور ندارد. پیوندها گسسته. کسی در مهتاب راه نمی‌رود. و از پرواز کلاغی هشیار نمی‌شود. و خدا را کنار نرده ایوان نمی‌بیند و ابدیت را در جام آب‌خوری نمی‌یابد.

در چشم‌ها شاخه نیست. در رگ‌ها آسمان نیست. به نمایش گذاشت. سهراب سپهری در نقاشی نیز استعداد فراوانی داشت و از دستاوردهای زیباشناختی شرق و غرب در این زمینه بهره می‌برد که تأثیر آن در آثارش جلوه‌گر شده‌اند.

سرانجام این شاعر خوش ذوق در غروب یکم اردیبهشت ۱۳۵۹ خورشیدی در بیمارستان پارس تهران چشم از جهان فروبست و در صحن امامزاده سلطان علی بن محمد باقر مشهد اردهال در اطراف کاشان به خاک سپرده شد.

در زیر متن نامه او به یکی از دوستانش را می‌خوانید:

تهران، ششم فروردین چهل و دو نازی دارم نگاه می‌کنم، و چیزها در من می‌رود. در این روز ابری، چه روشنم. همهٔ رودهای جهان به من می‌ریزد. به من که با هیچ پیر می‌شوم. خاک انباشته از زیبایی است. دیگر چشم‌های من جا ندارد... چشم‌های ما کوچک نیست. زیبایی کرانه ندارد.

به سایهٔ تابستان بود که تو را دیدم. و دیروز که نامه‌ات رسید، هنوز شیار دیدارت روی زمین بود، و تازه بود. در نیمروز «شمیران» از چه سخن می‌گفتمی؟ دست‌های من از روشنی جهان پر بود و تو در سایه‌روشن روح خود ایستاده بودی. گاه پرنده‌وار شگفت‌زده به جای خود می‌ماندی. نازی، تو از آب بهتری. تو از آبر بهتری.

### مفقودی برگ سبز خودرو

## بدینوسیله آگهی می شود برگ سبز (شناسنامه) خودرو پژو سواری تیپ parstuo مدل ۱۳۹۹ رنگ سفید روغنی به ظرفیت ۵ نفر بنزینی به شماره موتور ۰۱۶۷۹۶۰۱۳۹B و شماره شاسی NAAN۱۱۱۴۹LH۲۸۱۱۲۷ به شماره پلاک ایران ۹۳- ۴۸۳ ی ۸۸ به مالکیت آقای سید عادل موسوی به شماره ملی ۵۳۲۹۷۷۱۵۷۹ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

۱۴۰۳۰۳۰۱۱۴

هانونگ کونکورو